

# احضار بهزاد نبوی و کارآئی "تور قانون":

## تقی روزبه

بالآخره شایعه‌ای که از مدت‌ها پیش در موردسرنوشت بهزاد نبوی، از عناصر کلیدی اصلاح طلبان برسرزبان‌ها بود، به واقعیت پیوست و روزنامه‌ها رسماً خیر از احضار وی به دادگاه دادند.

تردید نیست که فساد مالی و بهره‌گیری از انواع رانت‌های دولتی و غیردولتی اختصاص به این یا آن جناح نداشته و هم‌چون درختی که شته زده می‌شود، سرپای جمهوری اسلامی را درنوردیده و غیر از این هم از یک حکومت استبدادی-مذهبی و یک دولت اجاره‌خور نفتی که حیات و ممت خویش را جز در سکوت گورستانی نمی‌بیند، انتظاری نیست. با این همه شعار مبارزه علیه فساد توسط جناحی که با عشق وافرش به صنعت سوداگری انگشت‌نماست و یدطولانی هم در رانت‌خواری دارد، به شوخی بیش‌تر شبیه است تا یک امرجدی.

به‌نظر می‌رسد که احضار بهزاد نبوی که به‌خاطر فروکاستن از تنش‌های جاتی آن تحت عنوان مسائل غیرسیاسی نظیر حیف و میل مالی و مبارزه با فساد اقتصادی صورت می‌گیرد، بخشی از همان سناریویی باشد که درصدد است تا عناصر حساس طیف به اصطلاح افراطی جبهه اصلاح طلبان را به تدریج از صحنه خارج سازد.

احضار بهزاد نبوی به عنوان حادثه‌ای نه چندان کوچک یک بار دیگر واقعیت‌های مهم زیر را که رویدادهای گذشته درستی‌شان را تصدیق کرده‌اند، مورد تأیید مجدد قرار می‌دهد:

۱-رخداد فوق‌نشان‌گر آن است که علی‌رغم تشدید تهدیدهای برون مرزی پس از ۱۱ سپتامبر و دعوت اصلاح طلبان حکومتی به فروکشیدن فتیله منازعات جناحی دربرابر تهدیدهای بیگانه، و طرح استراتژی وفاق، جناح حاکم هرگز از هدف‌های اصلی خود که همانا زمین‌گیرکردن حریف و از میدان خارج کردن طیف به اصطلاح افراطی اصلاح طلبان است، عدول نکرده است. پس از بستن روزنامه‌ها و حذف "غیرخودی‌ها"، سرکوب جنبش دانشجویی و ملی-مذهبی‌ها، حالا نوبت حذف و بی‌اثر کردن افراطیان لانه کرده در جبهه دوم خرداد، فرارسیده است.

۲-بررسی عمل‌کرد و رفتار سیاسی جناح حاکم در طی یک مدت کمابیش بلند، نشان دهنده این واقعیت است که جناح مزبور، این درس را به خوبی فراگرفته است که درشرایط کنونی بهره‌گیری از "چماق قانون"، به مراتب بهتر از "قانون چماق" می‌تواند دستاورد داشته باشد. و بر اساس این خط‌راهنما، هر از چندی برخی اقدامات بیش از حدبهران آفرین خود را جمع بندی نموده و همان هدف سابق را باشیوه‌های تازه و کمتر حساسیت برانگیز پیگیری می‌کند. به‌عنوان مثال جناح حاکم در مورد برخورد با مجلس ششم، این درس را فراگرفت که وقتی نمایندگان مجلس را هم‌زمان درتعداد فراوان مورد تهدید قرار داده و درخیایان دستگیرشان می‌کند، موجب برانگیختگی بیش از حد حریف و یکدست کردن صفوف آن و لاجرم تحمیل عقب‌نشینی ولو موقت به خود می‌شود. اما وقتی همین کار را به شیوه قانونمند و در شکل و روند آرام‌تری از طریق احضار تلفنی و اطلاع قبلی و یا ارسال احضاریه به هیئت رئیسه مجلس صورت می‌دهد، حریف را خلع سلاح کرده و وی را باپای خود به مسلخ کشانده و لاجرم خشم و اعتراضات درخوری را برنمی‌انگیزاند. از این‌رو استراتژی تهاجمی تمامیت‌خواهان، بر پایه همین بازی باقانون و قانونمندکردن تهاجم - و بقول سرمقاله نویس روزنامه رسالت بازی با تور قانون- بناشده و با موفقیت و استواری پیش می‌رود. مدتی قبل شخص‌خامنه‌ای استواری در هدف مبارزه با به اصطلاح مفاسد اقتصادی را، به دور از ایجاد سر و صدا و اقدامات تحریک‌آمیز مانند آن چه که در مورد انتشار لیست رشوه‌گیرندگان از شهرام جزایری صورت پذیرفت، مورد تأکید قرار داد. و احضار بهزاد نبوی در راستای همین سیاست تدوین شده صورت می‌گیرد.

نگاهی به فضای برانگیخته شده ناشی از محاکمه کرباسچی شهردار تهران و نوری وزیر کشور سابق تا فضای خالی از تشنجی که احضار بهزاد نبوی در آن صورت می‌گیرد، کواهی بارزی است از یکسو بر موفقیت

تمامیت خواهان در پیش برد همان اندیشه ها با شیوه های نوین و از دیگر سو نشان گر درجه زمین گیر شدن و صیدکردیدن اصلاح طلبان است در "تور قانونی" که خود بافته آن بوده اند. اصلاح طلبان يك بار در مورد نماینده همدان ثمره مقاومت و پایداری خویش را چشیدند. آن مقاومت نشان داد که راه خروج از تور پهن شده درکجا نهفته است. باین همه آن ها به دلایل قابل فهمی آن را به فراموشی سپردند.

۲- احضار بهزاد نبوی و بررسی واکنش های اصلاح طلبان در موارد مشابه گذشته نشان می دهد که جبهه اصلاح طلبان در برابر سیاست و تاکتیک جناح تمامیت خواهان که اکنون تهاجم خویش را به میدان اقتصادی کشانده و هدف های سیاسی را در پشت هدف های اقتصادی پنهان می دارند و این کار را به شیوه به اصطلاح قانونمند و با اشکال تنش آفرین کمتری صورت می دهند، به مراتب بیش از عرصه سیاسی فاقد استراتژی و تاکتیک مقابله به مثل می باشند. به زعم آن ها چون جناح حاکم قصد بحران آفرینی و تنش آفرینی دارد، پس نباید به دام آن افتاد. برعکس در برابر آن باید سیاست تنش زدائی در پیش گرفت. بدیهی است که در چنین معادله ای همواره يك طرف فعال مایشاء بوده و تاکتیک آفرینی می کند و طرف دیگر فعل پذیر بوده و نیروی حیاتی خویش را بادست و پا زدن جهت خروج از توری که حریف گسترده است بیاد می دهد.

ریشه اصلی این همه استیصال و زمین گیرشدن را درچه چیز باید جست؟:

بی تردید همانا در التزام اصلاح طلبان دولتی به اصل حرکت برمبنای قوانین موجود. بدیهی است که چنین التزامی، در برابر اقدامات به ظاهر قانونمند اما در واقع فراقانون و براساس تفسیر به رأی تمامیت خواهان، فاقد کارآئی است.

مبارزه فراقانونی، نافرمانی و تمردسیاسی در برابر اقدامات به اصطلاح قانون گرایانه جناح حاکم، تنها راه مقابله ای است که در برابر این جناح گشوده شده است. باین وجود اصلاح طلبان حکومتی نشان داده اند که حاضرند با پای خود به مسلخ و زندان بروند ولی هرگز به وادی نافرمانی قدم نه نهند. از این رو است که شاهدیم بهزاد نبوی با چهره ای خندان و باپای خود روانه دادگاه می شود. و مجیدانصاری از روزنامه ها و روزنامه نگاران درخواست می کند که تا سه روز دیگر که این مساله در نشست قوای سه گانه مورد بحث و گفتگو قرار خواهد گرفت، دم برتیاورند. به راستی تفاوت فضای سیاسی حاکم بر محاکمه کرباسچی و نوری با فضای سیاسی حاکم بر بازپرسی و محاکمه بهزاد نبوی تاچه حد چشم گیر است!

۱۵ آوریل ۲۰۰۲